

اخلاق حرفه‌ای وکالت و حقوق شهروندان

اعظم امینی^۱، زهرا کمالی^۲

^۱ استادیار رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه پیام نور

^۲ کارشناس ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

نام نویسنده مسئول:

اعظم امینی

چکیده

رعایت اخلاق حرفه‌ای در وکالت از اهمیت قابل توجهی برخوردار است، زیرا وکالت مقوله‌ای حساس است که عدم رعایت اخلاق حرفه‌ای در آن موجب از بین رفتن حقوق شهروندی می‌گردد. وکیل با رعایت نکردن اخلاق حرفه‌ای و افشای اسرار موکل و یا سوء استفاده از موقعیتی که موکل برای او قرار داده، حق شهروندی موکل را از بین می‌برد. جلوه‌ی دیگر آن حق داشتن وکیل است که از حقوق شهروندی موکل است تا در کلیه دعاوی شرایط یکسانی با طرف مقابل خود داشته باشد، در این راستا پرسش‌هایی مطرح می‌گردد که آیا قانونی در رابطه با اخلاق حرفه‌ای وکالت طرح شده است؟ و چگونه این قانون در برابر عدم رعایت اخلاق حرفه وکیل وارد عمل می‌شود؟ رعایت اخلاق حرفه‌ای فقط شامل موکل می‌گردد و یا هر شهروندی که با وکیل در ارتباط است را شامل می‌شود؟ آیا در دنیای امروزی می‌توان از اخلاق حرفه‌ای وکالت بحث کرد؟ آیا رعایت اخلاق حرفه‌ای برای وکیل را در تنگنا قرار میدهد و جلوی آزادانه را می‌گیرد؟ آیا شهروندان نیز باید اخلاق حرفه‌ای را نسبت به وکیل به عنان شهروند رعایت کنند؟ در این مقاله برآنیم تا با طرح مفاهیم و ارتباط اخلاق حرفه‌ای وکالت با حقوق شهروندی و مواد قانونی موجود به پاسخ این سوالات برسیم.

کلمات کلیدی: اخلاق، اخلاق حرفه‌ای، وکالت، وکیل، شهروند، حقوق شهروندی

مقدمه

یکی از مقولاتی که در هر حرفه مطرح می‌شود، اخلاق حرفه‌ای می‌باشد. حرفه وکالت نیز از این امر مستثنا نیست. اخلاق حرفه‌ای وکالت مجموعه‌ای از ارزش‌های اخلاقی است که در عرصه‌ی وکالت پدید می‌آید که می‌بایست رعایت گردد. اخلاق حرفه‌ای وکالت، رابطه‌ای مکمل و هم‌پوشان با حقوق شهروندی دارد. با این توضیح که اخلاق در یک مفهوم عام، از یک سو به منزله منشأ و سرچشمه پاره‌ای از حقوق است که تحت عنوان حقوق شهروندی خوانده می‌شوند و از سوی دیگر می‌توان اخلاق حرفه‌ای و ضرورت رعایت آن را به مثابه یک حق شهروندی تلقی کرد. با این تعبیر، می‌توان رابطه‌ی ای مسلم و مکمل میان این دو متصور شد. افشا نکردن اسرار، سو استفاده نکردن از موکل و آداب سخن گفتن از موارد رعایت این حق شهروندی است، اما جلوه‌های دیگر از رعایت حقوق شهروندی حق داشتن وکیل توسط هر شهروندی در دعوی حقوقی و کیفری می‌باشد. در این مقاله به ارتباط بین اخلاق حرفه‌ای وکالت و حقوق شهروندی می‌پردازیم.

۱- اخلاق حرفه‌ای

برای آنکه با مفهوم اخلاق حرفه‌ای آشنا شویم، ابتدا به تعریف مفاهیم اخلاق و حرفه می‌پردازیم تا به مفهوم دقیق اخلاق حرفه‌ای برسیم. «اخلاق شامل سلسله قواعدی است که در طول ادوار زندگی یک جامعه، بر حسب فطرت انسانی در اندیشه‌ها به وجود آمده و رعایت صور حسنه آن، علاوه بر قابل احترام بودن، در نزد اکثریت افراد اجتماع لازم شمرده می‌شود؛ هرچند که در عمل، فاقد ضمانت اجرایی می‌باشد». (غضنفری، ۱۳۹۰) در تعریف واژه‌ی بعدی به تعریف حرفه می‌پردازیم، واژه‌ی حرفه گرچه کاربردهای فراوان دارد، اما عام‌ترین کاربرد حرفه به معنای پیشه، شغل، کار و کسب تعریف می‌شود است. از دیرباز در هر حرفه ضوابط کلی و سنت‌های پسندیده‌ای که مبتنی بر انصاف و انضباط و صفات پسندیده از قبیل جوانمردی، نیکومنشی، خیرخواهی و... بوده، به مرور ریشه دوانیده و استقرار یافته است. این ضوابط گاه مدون بوده و گاه بدون آن که مدون شده باشد، مانند عرف و عادت قبول همگانی یافته و مورد عمل واقع گردیده است؛ به گونه‌ای که تخلف از آن قواعد موجب بی‌اعتنایی و تحقیر نسبتبه مرتکب از طرف همکاران و در صورت تکرار باعث طرد او از آن حرفه می‌شده است، مجموعه‌ای از این ضوابط به نام اخلاق حرفه‌ای شناخته می‌شود. (هومن، ۱۳۴۸)

حال که به مفهوم اخلاق و حرفه رسیدیم به تعریف اخلاق حرفه‌ای می‌پردازیم تا ببینیم اخلاق حرفه‌ای کدام یک از ابعاد اخلاق را در بر می‌گیرد.

«اخلاق حرفه‌ای، مجموعه‌ای از اصول، قواعد، احکام و مضامین اخلاقی حاکم بر حوزه کسب و کار است. بی شک رونق و دوام هر کسب و کاری، در گرو تعامل صحیح صاحبان آن حرفه با مردم و خصوصاً کسانی است که مشتریان و یا متقاضیان خدمات آن حرفه تلقی می‌شوند. تعامل صحیح با مردم و متقاضیان نیز، تعاملی است که بر پایه رعایت مسائل اخلاقی و برگرفته از اصول و مضامین اخلاق حرفه‌ای باشد». (جوزدانی، ۱۳۹۲) بنابراین اخلاق حرفه‌ای بعد اصولی از اخلاق است که مربوط به کسب و کار می‌باشد و اخلاقی که هر فرد می‌بایست در حرفه خود آن را رعایت نموده و در تعامل با ارباب رجوعان خود که مشتریان مختص حرفه خود هستند و چه مشتریان عامه رعایت نماید. رعایت اصول اخلاقی می‌تواند در کنار کار درست اولین شرط مهم در موفقیت در رشته‌ی خود برای جلب مشتری در مرحله اجرا باشد. اخلاق حرفه‌ای هر رشته می‌تواند به صورت عرفی و یا به صورت قانونی و به اشکال صریح یا ضمنی شکل گرفته باشد. رعایت اخلاق در برخی از حرفه‌ها دارای ضمانت اجرای صریح در قانون می‌باشد از جمله این حرفه‌ها، حرفه‌ی وکالت می‌باشد که عدم رعایت اخلاق در آن دارای ضمانت اجرایی صریح در قانون است که به اخلاق حرفه‌ای وکالت در ذیل می‌پردازیم.

۲- اخلاق حرفه‌ای وکالت

سازمان دادن و ایجاد نظم و انضباط بین صاحبان حرفه یکی از اصول اساسی در هر حرفه است، منظور از ایجاد نظام‌های حرفه‌ای در حقیقت سازمان دادن حرفه معین و ایجاد نظم و انضباط بین صاحبان حرفه از طریق خود آنهاست. در حقوق ایران نمونه بارز این نظام‌ها، قانون وکلای دادگستری، نظام معماری و ساختمانی، نظام پزشکی و... می‌باشد که جزء خدمات عمومی به شمار می‌روند و تنظیم اداره‌ی آن‌ها به عهده‌ی سازمان‌هایی است که نظام حرفه‌ای یا صنفی گفته می‌شوند و قانون‌گذار برای تنظیم امور حرفه و صنف به آن‌ها اختیارات قدرت عمومی را اعطاء نموده است. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۱) وکالت در کنار سایر حرفه‌ها قرار گرفته و با توجه به ماهیت و سرشتی که دارد، واجد اخلاق حرفه‌ای مختص به خود می‌گردد. با توجه به موضوع ما در این مقاله به بررسی اخلاق در وکالت به عنوان یکی از صنف‌ها و حرفه‌ای که اخلاق مهمترین موضوع در آن است می‌پردازیم.

یکی از عللی که اخلاق در حرفه‌ی وکالت مهم است این است که اساساً حرفه وکالت، به دلیل داشتن ارتباط تنگاتنگ با مسائل مختلف حقوقی و اجتماعی، از امر اخلاق نه تنها به دور نبوده بلکه شئون مختلف حرفه‌ای آن با این مقوله، عجین می‌باشد. به طوری که رعایت

اخلاق در این حرفه ضمانت اجرایی را به دنبال دارد که به طور صریح و یا ضمنی در قوانین و آیین نامه‌ها به آن اشاره شده است. بدین منظور ماده یک آیین رفتار حرفه‌ای وکلای مدافع اشاره دارد به اینکه وکیل برای انجام درست و کامل وظایف حرفه‌ای خود همواره به اصولی پای‌بند است از جمله:

الف- رسالت والای حرفه خود را در نظر دارد و به سوگند وکالت پای‌بند است.
ب- در مقابل مراجع قضایی و موکلان، آزادی و استقلال حرفه‌ای خود را حفظ می‌کند.
پ- در پی ارتقاء شایستگی حرفه‌ای (مهارت، تجربه و آمادگی عملی) و دانش حقوقی خود است.
ت- احقاق حق، اجرای عدالت و حاکمیت قانون را مد نظر قرار می‌دهد و رفتار خود را از کینه‌توزی، غرض‌ورزی و ایذاء می‌پیراید.
ث- چنان رفتار می‌کند که در استقلال، شایستگی، شرافت، امانت، درست‌کاری و صداقت او تردیدی ایجاد نشود.
ج- به خاطر ملاحظات خود نسبت به موکل، قاضی و دیگر اشخاص، یا به خاطر خوشایند آنان، در انجام تکالیف حرفه‌ای کوتاهی نمی‌کند.

چ- به قانون، وجدان، اصول اخلاق حرفه‌ای و نظامات حرفه وکالت پای‌بند است.
ح- صادقانه پای‌بند منافع موکل است و برای تأمین منافع قانونی موکل در موضوع وکالت، همه توان خود را به کار می‌گیرد.
خ- خدمات حرفه‌ای خود را صحیح، مسؤولانه و به‌موقع انجام می‌دهد.
د- اسرار موکل و طرف دعوا و اطلاعات محرمانه‌ای که در چارچوب فعالیت حرفه‌ای خود از آن‌ها آگاهی می‌یابد را افشا نمی‌کند.
ذ- فرهنگ حل اختلاف از راه‌های دوستانه و مسالمت‌آمیز را ترویج می‌کند و پیش از طرح دعوا، می‌کوشد اختلاف را از طریق صلح و سازش و داوری حل و فصل کند.

بندهای اشاره شده در ماده‌ی یک این قانون مهمترین اصولی است که یک وکیل به آن می‌بایست پایبند باشد. انجام صحیح و دقیق امر وکالت با رعایت این اصول به بهترین وجه اخلاق حرفه‌ای وکیل را نشان می‌دهد. رعایت اخلاق حرفه‌ای و رعایت اصول گفته شده یکی از حقوقی است که شهروند از حرفه‌ی وکالت دارد، به همین منظور به مفهوم حقوق شهروندی می‌پردازیم.

۳- حقوق شهروندی

شهروند در لغت به معنای کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن، برخوردار باشد معرفی شده است. در بیان معنای شهروند چنین گفته شده، فردی است در رابطه با یک دولت که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر در برابر دولت تکلیف‌هایی بر عهده دارد که این رابطه را رابطه شهروندی گویند. (نقره کار، ۱۳۹۱) در تعریف شهروندی به اختصار آمده است که «هر شهروند عضو یک اجتماع سیاسی است که از حقوقی بهره‌مند است که البته وظایف عضویت نیز برای او محفوظ است» (زاهدی، ۱۳۹۲). حق شهروندی، تمرکز بر آن دسته از حقوق ذاتی و اکتسابی بشری دارد که یک نظام سیاسی مدیر در جامعه تکلیف دارد از رهگذر ابزارهای خویش، آنها را تضمین و تحقق آنها را تأمین کند. لذا، اگر تضمین حقوق و آزادی‌های انسانی را وظیفه راسخ قدرت سیاسی در نظر بگیریم، هریک از شهروندان تحت شمول حاکمیت این قدرت سیاسی، واجد و مستحق هریک از این گزاره‌هایی می‌شوند که با نام حقوق و آزادی‌های اساسی بشری یاد می‌گردد. هر شهروند در یک جامعه، به صرف این که انسان است، واجد حقوقی است که حکومت ناگزیر از تضمین آنهاست. (دهقان و همکاران، ۱۳۸۸)

در متون اسلامی نیز حکومت در اسلام موظف به پاسداری و اجرای حقوق شهروندی است. مطهری با اثبات این گزاره در کتاب سیری در نهج البلاغه هشدار می‌دهد بی‌توجهی به آن آثار جبران‌ناپذیری بر گرایش‌های دینی باقی می‌گذارد. به عقیده او یکی از موجبات عقب‌گرد مذهبی این است که اولیای مذهب میان مذهب و یک نیاز طبیعی تضاد برقرار کنند. مخصوصاً هنگامی که آن نیاز در سطح افکار عمومی ظاهر شود. (اسماعیلی، ۱۳۹۰)

حقوق شهروندی از اهم حقوقی است که قوانین مختلف به آن اشاره می‌کنند در این جا به حقوق شهروندی در قوانین می‌پردازیم از جمله این قوانین قانون اساسی است که به عنوان زیربنای قوانین داخلی متضمن برقراری قواعدی کلی از جمله در باب رعایت حقوق شهروندی است. اصول ۱۹ تا ۴۲ از فصل سوم به بیان حقوق اساسی و آزادی‌های «حقوق ملت» قانون اساسی تحت عنوان شهروندان مانند تساوی در برابر قانون، مصونیت جان و مال و مسکن افراد و دادرسی عادلانه و... پرداخته است.

و همچنین آیین دادرسی کیفری؛ به تفصیل به بیان حقوق متهمین در دادرسی پرداخته و از جمله بر حق داشتن وکیل و حق سکوت تأکید کرده و مهمتر اینکه بازپرس یا پلیس مکلف به تفهیم این حق به متهم شده و همچنین اختیارات وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی افزایش چشمگیری یافته است. رعایت حقوق دفاعی و آزادی متهمین یکی از مهمترین حقوق شهروندی است.

مقررات مربوط به معاضدت قضایی؛ مقررات مربوط به دسترسی شهروندان به وکیل معاضدتی که یکی از شاخصه‌های دادرسی عادلانه است نیز ناظر به حفظ حقوق شهروندی است. این مقررات به صورت پراکنده در قوانین آیین دادرسی مدنی و قوانین مربوط به وکالت پیشبینی شده است و قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات که یکی از مهمترین گام‌هایی است که در دهه‌های اخیر برداشته شده و بسیاری از نظام‌های حقوقی آن را تدوین و تصویب کرده‌اند و یکی از مهمترین شاخصه‌های حکمرانی خوب و رعایت حقوق شهروندی است. این قانون در جهت شفاف‌سازی و مدیریت پاسخگو، به افکار عمومی احترام گذاشته و آنان را در جهت مشارکت در اداره امور اجتماع ترغیب نموده و موجب اعتمادسازی و پیشگیری از فساد خواهد بود.

قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی و سیاسی و... (ماده ۲۱۱) و نیز سند چشم‌انداز ۲۰ ساله (اولین بند آن) از جمله قوانین دیگری هستند که بر رعایت حقوق شهروندی تأکید کرده‌اند، اما مسئله داشتن متون قانونی خوب نیست بلکه مسئله در اجرا یا عدم اجرای قانون و نیز اجرای بهینه آن است. در اینجاست که حقوق شهروندی ممکن است با توسل به توجیه و یا گریز گاه‌های قانونی، تضییع شود. در این باب در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی آمده است از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی دادرها و ضابطان قوه قضاییه مکلفند در انجام وظایف قانونی خویش موارد ذیل را به دقت رعایت و اجرا کنند. متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد:

کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرار دادهای تامین و بازداشت موقت می باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هر گونه سلیق شخصی و سوءاستفاده از قدرت و یا اعمال هر گونه خشونت و یا بازداشت های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود. محکومیت ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر باشد، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رای مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر در صورت نبودن قانون قطعی نگردیده اصل بر برائت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم بر خوردار باشد. محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان و ممشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند. دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرایم و مطلعان از وقایع وکلا در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد. هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ قرارداد و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدینوسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت. (زاهدی، ۱۳۹۲)

در دستورالعمل‌های اجرای بند ۱۵ قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نیز در این باره آمده است:
ماده ۱: برای نظارت بر حسن اجرای قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی بند ۱۵ این قانون مرکب از اعضای شورای معاونان قوه قضاییه تشکیل می شود.

ماده ۱۲: گروه‌های نظارت و بازرسی گزارش خود را در دو نسخه به رئیس کل دادگستری استان ارائه می‌کنند. رئیس کل دادگستری استان ضمن اتخاذ تدابیر لازم برای رعایت آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و جلوگیری از نقص آن یک نسخه از گزارش را به دبیر خانه هیات نظارت مرکزی قوه قضاییه می‌فرستند.

ماده ۱۶: دادیاران دادرسی انتظامی قضاوت، بازرسان قضایی سازمان بازرسی کل کشور، رئیسان حفاظت اطلاعات قوه قضاییه در استان‌ها و هر یک از قضات دادرها و دادگاهها که از نقص شهروندی به تناسب وظایف محوله آگاه شوند، موظف‌اند با قید فوریت رئیس کل دادگستری استان و یا هیات نظارت مرکزی را با فرستادن گزارش کتبی آگاه کنند.

ماده ۱۷: تشکیل هیات‌های نظارت و بازرسی بر حقوق شهروندی مانع وظایف دادستان های دادرهای عمومی و انقلاب و نظامی از حیثیت نظارت بر عملکرد ضابطان نیست و دادستان‌ها و قضات دادرهای عمومی و انقلاب و نظامی موظفند در صورت مشاهده نقص آزادی های مشروع و حقوق شهروندی، طبق ماده ۱۴ این دستورالعمل اقدام کرده و رئیس هیات نظارت و بازرسی استان را نیز به طور کتبی از موضوع آگاه کنند.

۴- اخلاق حرفه‌ای وکالت و ارتباط آن با حقوق شهروندی

در این مبحث می‌خواهیم به ارتباط بین اخلاق حرفه‌ای وکالت و حقوق شهروندی بپردازیم و به این سؤالات پاسخ دهیم که آیا بین اخلاق حرفه‌ای و حقوق شهروندی ارتباط وجود دارد؟ و آیا این ارتباط تنها شامل رعایت اخلاق حرفه‌ای برای وکیل است و یا شامل شهروندان نیز برای رعایت حقوق وکیل می‌شود؟ به همین منظور در ابتدا به ارتباط وکیل با مراجعین و موکلین به عنوان شهروند می‌پردازیم و سپس به حق داشتن وکیل برای شهروند پرداخته و موضوع را بسط می‌دهیم.

«اخلاق حرفه‌ای وکالت، رابطه‌ای مکمل و هم پوشان با حقوق شهروندی دارد. با این توضیح که اخلاق در یک مفهوم عام، از یک سو به منزله منشأ و سرچشمه پاره ای از حقوق است که تحت عنوان حقوق شهروندی خوانده می‌شوند و از سوی دیگر می‌توان اخلاق حرفه‌ای و

ضرورت رعایت آن را به مثابه یک حق شهروندی تلقی کرد. با این تعبیر، می‌توان رابطه‌ای مسلم و مکمل میان این دو متصور شد.» (ساعد، ۱۳۹۰)

وکیل در ارتباط با مراجعین و موکلین خویش، از نظر حرفه‌ای دارای تکالیفی است که پشتیبان این تکالیف در وهله نخست، اخلاق است. در مورد اخلاق حرفه‌ای و حقوق شهروندی در ارتباط با موکل می‌توان اذعان داشت که رعایت اخلاق حرفه‌ای و کلا در ارتباط با وی، به مثابه حقی شهروندی است که وکلا باید در همه حال، این گزاره‌ها را مورد توجه قرار دهند. در نتیجه، در این قالب، موکل به عنوان یک شهروند، مستحق آن است که وکیل در رابطه وکالتی خود با او، موازین اخلاق حرفه‌ای را رعایت نماید و از این منظر وی را به عنوان شهروندی از جامعه خود، مشمول موازین اخلاق حرفه‌ای وکالت نماید. در ذیل به برخی از تکالیف وکیل در قبال موکل خود، اشاره می‌کنیم.

– وکیل نباید، مندرجات پرونده وکالت خود را که منتهی به صدور حکم نشده است، منتشر نموده و یا از طریق مطبوعات در ارتباط با جریان پرونده مربوطه بحث و اظهار نظر کند. حتی پس از صدور حکم قطعی نیز چنانچه، نیاز به طرح موضوع در معرض انظار عامه و افکار عمومی باشد، باید با احترام، ادب و بی طرفی، آن را طبع و نشر نموده و برای جلوگیری از وارد شدن لطمه به حیثیت و شئون اشخاص از ذکر اسامی اصحاب دعوا احتراز کند.

– وکیل باید کلیه مسئولیت‌هایی را که در اثر مسامحه یا غفلت و یا اشتباهات غیرقابل گذشت و یا تقلب به صورت لطمه و خسارتی به حقوق موکلین وارد می‌سازد، به عهده گرفته و آن را جبران کند.

– روابط بین وکیل و موکل، از جمله روابطی است که مسئولیت آن متوجه وکیل می‌باشد. لذا وکیل نباید دعاوی مردم را به وسیله دلال‌ها و عمال دیگر، قبول کند.

– وکلای دادگستری، باید با رعایت موازین قانونی و حرفه‌ای، به بهترین وجه از حقوق موکلین خود دفاع کنند، حتی اگر این کار با منافع آنها در تعارض باشد.

– وکلای دادگستری در ارتباطات خود با موکلین باید صادق باشند و ضمن ارج نهادن به اعتماد آنها، در فرآیند ارائه خدمات به گونه‌ای عمل کنند که استقلال و اصول حرفه‌ای وکالت مخدوش نگردد.

– وکلای دادگستری، باید موکلین را از ابعاد مختلف پرونده آگاه سازند، حتی اگر این کار بر خلاف میل موکلین یا منافع خود وکلا باشد. (غضنفری، ۱۳۹۰)

در ماده دوم آیین رفتار حرفه‌ای وکلای مدافع درباره رعایت حقوق شهروندی توسط آمده است:

وکیل با رعایت اصول زیر عدالت و حقوق انسانی را پاس می‌دارد:

- الف- در دفاع از حقوق بنیادین انسان‌ها، عدالت اجتماعی و امنیت حقوقی و قضایی شهروندان می‌کوشد.
- ب- در مقابل ستم و بی‌عدالتی و رویه‌ها و اقدامات غیر قانونی سکوت اختیار نمی‌کند و تنها در پی عافیت و آسایش مادی خود نیست.
- پ- منافع ملی و عمومی و اجرای عدالت را بر منافع خود، موکل و هر شخص دیگر و دولت مقدم می‌شمارد.
- ت- آن‌گاه در جایگاه دفاع از موکل قرار می‌گیرد که او را محق بشناسد.
- ث- در اثبات حقانیت موکل، شیوه‌های عادلانه بر می‌گزیند و از شیوه‌های ناروا دوری می‌کند. (ماده دوم آیین رفتار حرفه‌ای وکلای مدافع)

و همچنین در ماده پنجم از این قانون آمده است:

وکیل باید در جهت صیانت از حقوق شهروندان و اجرای عدالت در روابط خود با موکلان و مراجعان:

- الف - دعوایی را اقامه یا تعقیب نکند که به واهی بودن آن آگاهی دارد یا واهی بودن آن روشن است.
- ب- به بهانه احقاق حق موکل، حقوق مسلم دیگر اصحاب دعوا را نادیده نگیرد و با رفتار حرفه‌ای زمینه روشن شدن حقیقت و اجرای عدالت را فراهم سازد.

پ- چنانچه در جریان وکالت، آگاه شود که موکل در دعوا بی‌حق است، استعفا دهد و در صورت ادامه کار، به‌گونه‌ای عمل کند که حقی پایمال نشود.

ت- چنانچه موکل تصمیم به اقداماتی خلاف منافع ملی یا عمومی گرفته باشد، در جهت منع وی اقدامات لازم را انجام دهد.

ث- چنانچه در جریان وکالت، در یابد که موکل مرتکب فریب‌کاری یا اقدام مخالف قانون، عدالت و انصاف می‌شود، بدون تاخیر توقف این اقدامات را درخواست کند و در صورت بی‌توجهی موکل، استعفاء دهد.

ج- از قواعد شکلی برای احقاق حق موکل بهره‌بردارد. اما آن‌ها را دستاویزی برای اطاله دادرسی و ایجاد اختلال در روند رسیدگی قرار ندهد.

چ - از راهنمایی مراجعانی که مقاصد غیر قانونی دارند، بپرهیزد.

ح- چنانچه به عنوان نویسنده یا مشاور در تنظیم سندی دخالت داشته باشد، در صورت وقوع اختلاف در مورد آن، برای حل اختلاف بکوشد و در صورت نیاز، برای ادای شهادت در مراجع قضایی حاضر شود. (ماده پنجم آیین رفتار حرفه‌ای وکلای مدافع)

از آنچه گفته شد نتیجه می‌گیریم در قوانین و آیین نامه‌ها به طور صریح به رعایت یک سری از اخلاق‌های حرفه‌ای توسط وکیل در قبال شهروند امر شده است که رعایت آن را از وظایف و تکالیف وکیل می‌داند و از حقوق شهروندی است که باید رعایت گردد. اما جلوه‌ای دیگر از رعایت این حقوق داشتن وکیل توسط شهروند است که آن نیز می‌باید در باره وی رعایت گردد. خوشبختانه در سیاست‌های مصوب قوه قضاییه و در آیین دادرسی به طور صریح به استفاده از وکیل اشاره شده است. همچنین در قانون احترام به آزادی‌ها و حفظ حقوق شهروندی و نیز در بخشنامه‌های گوناگون نیز بر آن تأکید شده است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۶) لذا حق داشتن وکیل، قطعاً جزء حقوق شهروندی مهم جامعه است. هر کسی باید بتواند وکیل داشته باشد. اگر در یک محکمه‌ای، قاضی بخواهد منع کند یکی از اصحاب دعوا را از داشتن یا انتخاب وکیل، اصلاً حکم آن دادگاه، کان لم یکن است. قاضی معرفی می‌شود به دادگاه انتظامی قضات و تکرار کند، عزل می‌شود. (روحانی، ۱۳۹۲)

حال که جلوه‌های مختلف از رعایت اخلاق حرفه‌ای وکالت پرداختیم، به این سوال می‌بایست پاسخ داد که مرجع نظارت بر اخلاق وکلا کدام مرجع است و کدام مرجع می‌بایست قوانین مربوطه را نظارت کند؟ آیا کانون وکلا می‌تواند بر این امر نظارت کند؟ برای پاسخ به این سؤالات به نقش نهاد وکالت و کانون وکلا در این باره می‌پردازیم.

نهاد وکالت در مواردی که رعایت اخلاق حرفه‌ای نقض می‌شود و به واقع حق شهروندی یک موکل مورد خدشه قرار می‌گیرد، خود وارد عمل می‌شود و با توبیخ وکلا از رهگذر کیفرهای انتظامی مختص خویش، آنان را سرزنش می‌کند. در واقع در پرتو سیاست مشارکتی حاصله میان حکومت و نهاد وکالت، حکومت مداخله خود را از باب حمایت از حق شهروندی موکل در مورد رعایت اخلاق حرفه‌ای به نهاد وکالت وا می‌گذارد. با این توضیح که حکومت در هر موردی ضروری نمی‌داند که خود، شخصاً وارد عمل شود و به علاوه، همواره پاسخ به نقض حقوق شهروندان را از رهگذر ابزارهای جنایی و کیفری مناسب نمی‌بیند. از این روی، در چنین مواردی، اختیار ضابطه مندی آن حق و پاسخگویی را به نهاد متولی واگذار کرده تا با بهره‌گیری از ابزارهای واکنشی خود آن نهاد که بیشتر انتظامی و انضباطی است، به این مهم اقدام نماید. براین اساس، پاسخ گویی به نقض اخلاق حرفه‌ای به مثابه حقی شهروندی از سوی نهاد وکالت نه تنها حق موکل را تضمین می‌کند، از مداخله حکومت در وادی وکالت نیز جلوگیری می‌نماید. (ساعد، ۱۳۹۰) اگرچه نقش وکلا در حفظ حقوق شهروندی، محدودتر از نقش کانونهای وکلاست، اما هر وکیل به نوبه خود می‌تواند با دفاع مؤثر و قانونمند و نیز تلاش در جهت تأمین حاکمیت قانون به حفظ حقوق شهروندی کمک نماید. (کریمی اصفهانی، ۱۳۹۲)

نکته دیگری که می‌تواند جلوه‌ای دیگر از رعایت حقوق شهروندی باشد رعایت آداب عمومی و رعایت شئون این حرفه است از جمله این آداب سخن گفتن وکیل است، «سخن گفتن وکیل باید درخور او باشد. عوامانه سخن گفتن و الفاظ عامیانه به کار بردن از وکیل دادگستری پذیرفته نیست. رعایت وقار و ابهت در رفتار و گفتار، اجتناب از شوخی و هزل‌آلی و حرکات سبک و ناشایست به خصوص در مراجع قضایی و محلهای رسمی و گردهم‌آیی‌های صنفی، شایسته‌ی یک وکیل دادگستری است. وکیل بایستی به خاطر داشته باشد که دفتر کار او اهمیت و قداستی چون دادگاه دارد. پس او باید در برخورد با موکل و پذیرایی از وی نهایت دقت و ریزبینی را معمول دارد؛ بنابراین پذیرایی از موکلین در حالی که لباس نامناسب پوشیده یا مشغول صرف غذا است، مطلوب نمی‌باشد.» (کشاورز، ۱۳۸۰)

برای جلب موکل، وکیل باید با یک طرز شرافتمندانه که براننده‌ی مقام وکالت است، خود را معرفی کند. توضیح آن که بهترین وسیله‌ی معرف وکیل، تقوا، امانت داری و درستی، فضل، کمال، لیاقت و استعداد ذاتی اوست. بنابراین غیر از انتشار کارتهایی که در بر دارنده‌ی اسم و عنوان و تخصص وکیل در امور وکالتی است، تقاضای کار به وسیله‌ی نشر آگهی‌ها و همچنین انتشار دیگر تبلیغات به شکل مستقیم یا غیر مستقیم که به نفع وکیل و حاوی تعریف و تمجید از وی باشد، منافی حیثیت و شئون حرفه‌ی وکالت است. همچنان که وکیل نباید عقاید، افکار و پاسخ مشاوره و ارجاعات را در خصوص حرفه‌ی خود به وسیله‌ی جراید یا رادیو و امثال آن چه با اجرت و چه بی اجرت اشاعه دهد. به هر روی یک وکیل بایستی همواره به یاد داشته باشد که وقتی در جایی خود را به عنوان وکیل دادگستری معرفی میکند، آبرو و اعتبار یک صنف را که بنا بر اصل و بر مبنای وضعیت اکثریت آحاد خود، صنفی معتبر و محترم است در گروی گفتار و کردار خود قرار میدهد. پس باید نهایت دقت را در رفتار خود به عمل آورد تا ناخواسته اعتبار و حیثیت آن صنف را در معرض خطر قرار ندهد. (غضنفری، ۱۳۹۰)

اهمیت این مسأله تا بدان جاست که قانون گذار در بند ۱ از ماده ۷۷ «اصلاح آیین نامه‌ی لایحه‌ی قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری» مصوب ۱۳۸۸ ارتکاب اعمال و رفتاری که منافی با شئون وکالت است مانند امتناع از پرداخت دیون مسجل، برقراری روابط خصوصی غیر متعارف با طرفین پرونده، دایر کردن دفتر وکالت در محلی که مناسب برای این کار نیست یا مشارکت با غیر وکیل در اداره‌ی دارالوکاله را موجب محکومیت وکیل به مجازات انتظامی درجه‌ی چهار (کاهش حدود صلاحیت و تنزیل درجه) دانسته است.

بایستی توجه داشته باشیم که در درجه ی اول وظیفه ی وکیل این است که دفاع از موکل خود را به نحو احسن انجام دهد و در این راه توجهی به عقاید شخصی و میزان تقصیر یا عدم تقصیر وی نداشته باشد. بلکه باید بکوشد تا با توسل به وسایل قانونی نسبت به احقاق حقوق موکل خود اقدام نماید. روابط بین وکیل و موکل از روابط شخصی بوده و وکیل نباید دعاوی مردم را به وسیله ی دلایلی و عمل دیگر قبول کند، بلکه بایستی به طور مستقیم با موکل خود در ارتباط باشد. وکیل باید مسئولیت کلیه ی لطمات یا خساراتی را که در نتیجه ی مسامحه یا غفلت و یا اشتباهات غیر قابل گذشت او به حقوق موکلش وارد اصلاح آیین نامه ی لایحه ی قانونی استقلال کانون وکلای «می آید، بر عهده گرفته و نسبت به جبران آن ها اقدام نماید. بند ۸ از ماده ی ۷۶ اقدام وکیل به هر عملی که موجب ضرر موکل است را موجب محکومیت انتظامی درجه ی ۳ (توبیخ با درج در روزنامه ی رسمی «دادگستری و مجله و پایگاه اینترنتی کانون) یا ۴ (کاهش حدود صلاحیت و تنزیل درجه) دانسته است. وظیفه ی وکیل است که در موقع قبول دعوی، کلیه ی منافع خصوصی و شخصی خود را که در معرض تعارض با منافع موکل است، افشاء و بیان نموده و هرگونه بستگی و رابطه و خویشاوندی که با طرف مقابل دعوی دارد، به موکل خود تذکر دهد. پس از آن چنان چه موکل او را به وکالت خود انتخاب نمود، وکیل نباید از کاری که بر عهده گرفته است، کناره گیری نماید مگر آن که دلایل موجه و علل و موجباتی پدید آید که منافی شهرت و احترامات شخصی و وجدان او بوده باشد و یا این که با تعهدات مادی ۷ و معنوی که موکل در مقابل وکیل دارد سازگار نباشد و یا این که ادامه ی آن پرونده از حوزه ی تخصص و صلاحیت وکیل خارج باشد و نیاز به جلب نظر متخصص فنی باشد. (سرشار، ۱۳۲۷)

در صورت کناره گیری وکیل موظف است در زمان مناسب این مسأله را به اطلاع موکل خود برساند؛ در غیر این صورت به موجب آن مفاد بند ۵ از ماده ی ۷۷ «اصلاح آیین نامه ی لایحه ی قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری» در صورتی که استعفا ی خود را «اعمال میشود که به «از وکالت به موکل... اطلاع ندهد یا وقتی اطلاع دهد که موکل مجال کافی برای تعیین وکیل دیگر و معرفی به دادگاه نداشته باشد مجازات انتظامی درجه ی چهار یعنی کاهش حدود صلاحیت و تنزیل درجه محکوم میشود. وکیل در زمانی که مسئولیت خطیر وکالت شخصی را برعهده گرفته بایستی نسبت به آن شخص و وظیفه ی خود تعهد کامل داشته باشد و از اصلاح آیین نامه ی لایحه ی قانونی استقلال کانون «هرگونه همکاری با طرف مقابل پرونده خودداری نماید. به موجب بند ۳ از ماده ی ۷۹ در صورتی که ثابت شود وکیل با طرف موکل خود تبانی کرده که حق موکل را تضییع نماید یا خیانت دیگری نسبت به «وکلای دادگستری موکل کرده باشد، به مجازات انتظامی درجه ی ۶ یعنی عدم تمدید پروانه ی وکالت از سه ماه تا پنج سال یا ممنوعیت از وکالت در محل معین برای مدت پنج سال محکوم خواهد شد. اهمیت این مسأله زمانی بیشتر آشکار میشود که به موجب بند ۲ از همین ماده در صورت استعفا ی وکیل یا عزل از طرف موکل یا انقضاء وکالت به جهت دیگر، وکیل بایستی از پذیرفتن وکالت طرف موکل یا اشخاص ثالث در آن موضوع علیه موکل سابق خود یا قائم مقام قانونی او امتناع نماید و در غیر این صورت با همان مجازات انتظامی درجه ی ۶ مواجه خواهد شد. نکته ی دیگری که بایستی توجه داشته باشیم آن است که از ویژگی های شغل وکالت این می باشد که زندگی حرفه ای وکیل با زندگی خصوصی موکل آمیختگی اجتناب ناپذیری دارد و همین امر بعضاً منجر به آن می شود که وکیل از درونی ترین اسرار زندگی موکل خود اطلاع پیدا کند. همین مسأله و ضرورت حفظ اسرار شخصی موکل موجب شده است که قانون گذار در ماده ی ۳۰ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ چنین مقرر وکیل باید اسراری که به واسطه ی وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوطه به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید.

در بند ۲ از ماده ی ۷۸ «اصلاح آیین نامه ی لایحه ی قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری» آمده است که ضمانت اجرای تخلف از این امر در صورتی که به واسطه ی وکالت از اسرار موکل و طرف مقابل پرونده یا قائم مقام یا وکلای آنان و کارشناس مطلع شده به موجب آن وکیل به مجازات انتظامی «درجه ی ۵» «و آن را افشاء نماید اعم از این که اسرار مزبور مربوط به امر وکالت یا شرافت و حیثیت و اعتبار آنان باشد اطباء و جراحان «محکوم میشود. در این زمینه می توان به ماده ی ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات هم اشاره کرد که به موجب آن و ماماها و داروفروشان و کلیه ی کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه ی خود محرم اسرار میشوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشاء کنند، به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شوند بدیهی است که وظیفه ی وکیل در حفظ اسرار موکل گاه به حکم قانون ساقط می شود. بر این اساس چنان چه به عنوان مثال وکیل از قصد موکل در ارتکاب جرمی مطلع شده یا اسراری را از موکل داشته باشد که در کشف جرم مؤثر باشد ۹ و یا شخصاً طرف اتهام متهم به ارتکاب جرمی قرار گیرد، نه تنها وظیفه ی حفظ اسرار را ندارد، بلکه موظف است که اسرار مذکور را افشاء و به درجه و میزان تهمتی که به وارد شده است، حقایق را بیان دارد. (شقایق، ۱۳۸۲)

بنابراین با طرح صریح و ضمنی ضمانت اجرای عدم رعایت اخلاق حرفه ای وکالت در قوانین می توان به اهمیت اخلاق حرفه ای وکالت پی برد. اهمیتی که به دلیل ارتباط با حقوق شهروندی به مراتب بیش از سایر حقوق مورد توجه قرار می گیرد.

نتیجه گیری

اخلاق حرفه‌ای و ضرورت رعایت آن با متابه یک حق می‌باشد در وکالت نیز رعایت اخلاق حرفه‌ای از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا وکیل به طور مستقیم با حقوق شهروندی سر و کار دارد و اگر خود نیز اخلاق را رعایت نکند به حقوق شهروندی لطمه وارد می‌کند. رعایت اخلاق حرفه‌ای وکالت ارتباطی گسترده با حقوق شهروندی دارد و یکی از مسائل رعایت حق شهروندی طرح شدن قوانینی برای ضمانت اجرا بر عدم رعایت اخلاق حرفه‌ای وکالت است که در ایران با طرح قوانینی در این رابطه از گسترش بی اخلاقی‌ها توسط برخی وکلا جلوگیری می‌شود. البته رعایت اخلاق حرفه‌ای توسط وکیل تمامی زوایای زندگی وکیل را نباید در بر گیرد و یا حتی ممکن است قبول وکالت موکل و دفاع از حقوق وی با رعایت تمامی زوایای اخلاقی در تعارض باشد. برای رعایت حقوق شهروندی باید دامنه‌ای فرض کرد تا موکلا و موکلین به عنوان شهروند حدود خود را دانسته و آن را رعایت کنند تا از عهده‌ی این موقعیت حساس برآیند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مراجع

- [۱] اسماعیلی، محسن (۱۳۹۰)، گفتارهایی در حقوق شهری و شهروندی، جلد اول، موسسه نشر شهر با همکاری موسسه همشهری.
- [۲] دهقان، سعید، صادقیان، آرش، حیدری، لیلا، ضمیری، محمدرضا (۱۳۸۸)، گذری بر حقوق و اخلاق شهروندی، چاپ اول، انتشارات موسسه دین پژوهی بشرا
- [۳] روحانی، حسن (۱۳۹۲)، «وکیل مستقل مدافع حقوق مردم»، فصلنامه داخلی کانون وکلای دادگستری خراسان، سال سوم، شماره دهم
- [۴] زاهدی، عاطفه (۱۳۹۲)، مجموعه قوانین و مقررات حقوقی و کیفری، چاپ دوم، انتشارات جنگل
- [۵] ساعد، محمدجعفر (۱۳۹۰)، «اخلاق حرفه‌ای وکالت و رابطه آن با حقوق شهروندی»، ماهنامه مدرسه حقوق کانون وکلای اصفهان
- [۶] سرشار، محمد (۱۳۲۷)، «مجموعه مقررات اخلاقی راجع به شغل وکالت»، مجله کانون وکلا، شماره هفتم
- [۷] شقاقی، بیژن (۱۳۸۲)، «اخلاق حرفه‌ای حفظ اسرار»، مجله کانون وکلا، شماره ۱۸۱
- [۸] صانعی، مهدی (۱۳۸۵)، «حکمرانی خوب مفهومی نو در مدیریت دولتی»، مجله تدبیر، شماره ۱۷۸
- [۹] طباطبایی موتمنی، منوچهر (۱۳۸۱)، حقوق اداری، چاپ هشتم، انتشارات سمت
- [۱۰] غضنفری، علی اکبر (۱۳۹۰)، «درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای وکالت»، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۲۱۲
- [۱۱] کریمی اصفهانی، خدیجه (۱۳۹۲)، «حکمرانی خوب، چالشها و کارآمدها»، پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی.
- [۱۲] کشاورز، بهمن (۱۳۸۰)، «وکیل تحقیقات مقدماتی اخلاق حرفه‌ای»، مجموعه مقالات وکیل دفاع تحقیقت مقدماتی انجمن حمایت از زندانیان، چاپ اول، نشر گواهان
- [۱۳] محمدی جوزدانی، عبدالعلی (۱۳۹۲)، وکالت و اخلاق حرفه‌ای
- [۱۴] نقره کار، محمصالح (۱۳۹۱)، دادستان در ترازوی حقوق بشر و شهروندی، چاپ اول، انتشارات جنگل
- [۱۵] هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۶)، «تقدم عدالت بر رویکرد امنیتی»، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و یکم، شماره ۵۸
- [۱۶] هومن، احمد (۱۳۴۸)، «نظام وکالت و ربط آن با تکلیف اخلاقی»، مجله کانون وکلا، شماره ۱۱۴